

بررسی تطبیقی طبقات ارث در فقه شیعه، اهل سنت و حقوق فرانسه با رویکردی بر دیدگاه امام خمینی (س)

منوچهر زحمتکش^۱

سید صادق موسوی^۲

چکیده: حقوق ارث شاخه‌ای از حقوق خصوصی است که سابقه آن بیشتر از سایر گرایش‌هاست. تقسیمات ارث بدون شناختن طبقات ارث امکان‌پذیر نیست. در این میان، حقوق فرانسه یکی از قدیمی‌ترین قواعد مکتوب و منظم در ارث را دارد و همچنین برخی از مباحث فقهی ارث در تشابه با حقوق فرانسه است؛ از این رو در این مقاله با به‌کارگیری روش توصیفی-تاریخی و با تکیه بر دیدگاه‌های امام خمینی، طبقات ارث میان دو نظام حقوقی مستقل اسلامی که با منشأ واحد (قرآن کریم) تأسیس شده‌اند، با مقارنه و مقایسه تطبیقی در حقوق فرانسه بررسی و ریشه اختلاف قوانین ارثی شیعه و اهل تسنن و فرانسه مشخص شده است.

کلیدواژه‌ها: ارث، امام خمینی، فقه سنی، فقه شیعه، حقوق فرانسه.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

۱. دکتری فقه و حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)
E-mail: zahmatkesh@gmail.com

۲. دانشیار گروه فقه و حقوق خصوصی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه شهید مطهری، تهران، ایران.
E-mail: mousavi4535@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱/۱۸ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۲/۲۹

پژوهشنامه متین/سال بیست و دوم/شماره هشتاد و شش/بهار ۱۳۹۹/صص ۹۹-۷۹

مقدمه

ارث از جمله مباحث و موضوعات حقوقی است که شاید هر انسانی در طول عمر خود، خواه ناخواه با آن روبه‌رو شود؛ زیرا تا زمانی که شخص زنده است، مالکیت دارایی خود را بر عهده دارد، اما پس از مرگ و با از بین رفتن متوفاً، این دارایی قهراً به ورثه منتقل می‌شود و هر انسانی می‌تواند در موقعیت ورثه قرار بگیرد؛ بنابراین مرگ مورث آغاز تحقق ارث و سبب جدایی دارایی از شخصیت اوست. همچنین باید توجه داشت که انتقال دارایی متوفاً در صورتی تحقق خارجی می‌یابد که ترکه به‌طور قطعی به ملکیت وارثان درآید؛ زیرا در این زمان جابه‌جایی صورت می‌پذیرد. لحظه مرگ و تملک وارثان مقارن با هم و از دید عرف، در یک زمان است، اما ترکه پس از پرداخت دیون و واجبات مالی در ملکیت وارثان استقرار می‌یابد (ماده ۸۶۸ ق.م).

ترکه به‌جامانده از متوفاً همواره یک شخصیت حقوقی هستند. مالکیت قطعی ورثه نیز به نسبت سهم‌الارث آن‌ها پس از پرداخت حقوق و دیونی است که به ترکه تعلق گرفته است. وراثت می‌تواند دیون متوفاً را از محل ترکه یا از مال شخصی خود ادا کنند. در این میان، آنچه مهم است وضعیت حقوقی تصرفات ناقله وراثت به ترکه و واکنش و نفع طلبکاران در به هم زدن معاملات مذکور قبل از ادای دیون متوفاً و بعد از تقسیم است. تفکیک سهم‌الارث طبقات سه‌گانه وراثت در حقوق اسلام و مقایسه ارث‌بران در مذاهب اسلامی شیعه و سنی و تطبیق حقوق اسلامی - که به طبقات سه‌گانه ارث حکم می‌دهند - با طبقات چهارگانه در حقوق فرانسه، مستلزم شناخت مبانی نظری، پیشینه تحکیمی و تقنینی ارث و منشأ صدور احکام مرتبط با آن است. در این راستا، علاوه بر مبانی، باید منشأ ظهور تفکر تقسیم‌بندی طبقات ارث در نظام حقوقی اسلام و در حقوق فرانسه تبیین شود؛ از این‌رو در پژوهش حاضر، مبانی نظری ارث و اقسام وارثان به اعتبار سهام و طبقات ارث در فقه شیعه و سنی و در حقوق فرانسه با رویکردی به دیدگاه‌های امام خمینی بررسی شده است.

۱. موجبات ارث

۱-۱. موجبات ارث از نظر فقه شیعه

ارث انتقال مال یا حق کسی هنگام مرگ او به دیگری به‌واسطه رابطه «نسبی» یا «سببی» است که میان آن دو وجود دارد. درباره طبقات ارث تنها سه طبقه در فقه شیعه بیان شده است. عول و تعصیب که در برخی مذاهب وجود دارد، در این دیدگاه باطل است. در موضوع ارث گاهی برخی موانع دیگر مانند حمل، مجوس، ولدالزنا، خنثی، لعان و رقیت مانع آن می‌شوند که فرد

ارث ببرد. گاهی نیز برخی افراد حاجب برخی دیگر در ارث بردن می‌شوند. در فقه شیعه برای مجوس سهمی از ترکه در نظر گرفته نشده است، اما درباره ارث غرق و مهدوم علیهم بیان شده است که ابتدا باید فرض شود یکی از آن دو فوت کرده تا تقسیم ارث صورت گیرد. سپس فرض شود فرد دوم فوت شده و دوباره تقسیم ارث انجام شود. درباره جبهه نیز بیان شده است که تنها به پسر بزرگ تر تعلق می‌گیرد. در مورد ارث زوج و زوجه نیز ارث هریک در شرایط مختلف بیان شده است.

۲-۱. موجبات ارث از نظر فقه سنی

در فقه اهل سنت این تقسیم‌بندی به سه قسمت نسبی، ولاء و نکاح است؛ به طوری که می‌توان ولاء و نکاح را داخل در رابطه‌ای سببی دانست. اسباب ارث در اهل تسنن عبارت‌اند از:

۱. **قربانیت یا نسب:** قربانیت خونی که به سبب ولادت ایجاد شده است و در علم ارث شامل

سه نوع است:

الف) صاحبان فروع: خویشاوندان شخص مرده که برای آن‌ها سهم مشخصی در قرآن یا سنت نبوی معین شده است؛ مانند پدر، جد، مادر، جده، دختر، دختر پسر، خواهر تنی، خواهر پدری و فرزندان مادری.

ب) عصبه‌ها: نزدیکی و فامیلی پدری یک فرد؛ مانند پسر، پسر پسر و پایین‌تر، برادر تنی و پسرش، برادر پدری و پسرش، عموی تنی و پسرش و عموی پدری و پسرش.

ج) ذوی‌الارحام: مانند دختر دختر، پسر دختر، دایی، پسر دایی و مادر پدر مادر.

همه این‌ها به جهت پدری یا پسرش با شخص مرده فامیل هستند؛ پس افراد برتر مانند پدر و جد و عمو در واقع برادر پدر و امثال این‌ها هستند. فرزند بودن در پسر یا پسران مشخص و برتر است؛ هر چند پایین‌تر باشد. دختر و پسرانش صاحب فرض هستند و پسرش جزء ذوی‌الارحام است؛ زیرا به خانواده دیگری تعلق دارد. دلیلی که بر ارث به قرابت دلالت می‌کند، آیه ۷ سوره نساء است که خداوند می‌فرماید: «برای فرزندان پسر، سهمی از ترکه ابویین و خویشان است و برای فرزندان دختر نیز سهمی از ترکه ابویین و خویشان است، چه مال اندک باشد یا بسیار، نصیب هر کس از آن معین گردیده است».

۲. **ازدواج:** همان ازدواج صحیح حقیقی یا حکمی است که باید شرایط زیر در آن رعایت

شده باشد:

الف) زنی که با یک عقد صحیح ازدواج کرده باشد؛ خواه با همسر فوت شده اش هم‌بستر شده باشد یا نه.

ب) زن مطلقه‌ای که طلاقش رجعی و در زمان عده باشد.

ج) زنی که طلاق بائن داده شده و در زمان مرض الموت باشد و شروط زیر را داشته باشد: - منظور از طلاق ممنوع کردن او از ارث باشد؛ پس با شخصی که او را طلاق داده برخلاف نظرش عمل می‌شود، اما کسی که زنش را در زمان مرض الموت خودش به دلیل خیانت زنش به او یا بدرفتاری غیر قابل تحمل یا مرتدشدنش طلاق داده باشد، از او ارث نمی‌برد.

- زن این طلاق را نپذیرفته باشد؛ پس وقتی زن به این طلاق راضی باشد و به گونه‌ای رفتار کند که نشان رضایت وی باشد، از او ارث نمی‌برد.

- شوهر در زمان عده طلاق بائن زنش فوت کرده باشد، ولی اگر این زمان پایان یافت ارث نمی‌برد.

دلیلی که بر حق ارث بردن از طریق ازدواج دلالت می‌کند آیه ۱۲ سوره نساء است که خداوند می‌فرماید: «برای شما نصف دارایی به جای مانده همسرانتان است، اگر فرزندی نداشته باشند» و برای زنان شما یک‌چهارم ترکه شماست اگر فرزندی نداشته باشید».

- **ولاء:** این نوع ولاء مربوط به آزاد کردن برده است نه ولای سوگند و معاهده که مختص به بردگانی است که سیدشان آن‌ها را آزاد کرده و اگر برده وارث نداشته باشد و بر معنای ولاء و وفا تأکید کرده باشد، این سید اموال برده را به ارث می‌برد؛ چراکه آن‌ها را آزاد کرده و تشویق به آزاد کردن بندگان باشد؛ به گونه‌ای که حق آن‌ها در ارثشان از بین نرود.

۳-۱. موجبات ارث از نظر حقوق فرانسه

قانون مدنی فرانسه دلیل بر ارث بردن را بیشتر براساس علقه و رابطه ژنتیکی افراد با یکدیگر می‌داند؛ به نحوی که علقه زوجیت را به کلی از طبقات چهارگانه ارث در حقوق فرانسه خارج کرده و آن را براساس محبت و علاقه قلبی بنا نهاده است (اگر شوهر زنش را دوست بدارد، برایش ارثی معین می‌کند و زن نسبت به شوهر).

۴-۱. موجبات ارث از نظر امام خمینی

موجبات ارث، نسب است و سبب، که نسب، سه مرتبه دارد: اول: پدر و مادر و فرزندان؛ اگر چه پایین بروند و. دوم: اجداد و جددها؛ اگر چه بالا بروند و برادرها و خواهرها و اولاد آن‌ها؛

اگر چه پایین بروند. سوم: عموها و عمه‌ها و دایی‌ها و خاله‌ها؛ اگر چه بالا بروند و اولاد آنها؛ اگر چه پایین بروند؛ به شرط آن که این عناوین عرفاً بر آنها صدق کند و سبب دو قسم است: «زوجیت» و «ولاء». و ولاء سه مرتبه دارد: «ولاء عتق» سپس «ولاء ضمان جریره» سپس «ولاء امامت» (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۲: ۳۸۹).

۲. اقسام وراثت

۲-۱. اقسام وراثت در فقه شیعه

برخی معتقدند «وارث را می‌توان از نظر نوع وراثت به پنج دسته تقسیم کرد:

۱. وارثی که همیشه به فرض ارث می‌برد.
 ۲. وارثی که همیشه فرض بر است و گاهی علاوه بر فرض، مقداری از بقیه ماترک نیز به‌عنوان رد به او می‌رسد.
 ۳. وارثانی که گاهی به فرض و گاهی به قرابت ارث می‌برند.
 ۴. وارثانی که همیشه به قرابت ارث می‌برند.
 ۵. وارثانی که ارث آنها نه به فرض است و نه به قرابت، بلکه به سبب ولاء از یکدیگر ارث می‌برند؛ مانند معتق، ضامن و امام^(ع)» (قبله‌ای خوبی ۱۳۸۹: ۱۱۴-۱۱۲).
- معیار در تقسیم وراثت فرض بر قرابت بودن است. همچنین با توجه به اینکه تعیین سهام وراثت گاه به فرض به معنای اخص و گاه به قرابت و گاه به هر دو طریق صورت می‌گیرد، وارث به سه گروه زیر تقسیم می‌شوند (نجفی ۱۳۷۴: ۱۱۰):

وراثی که همیشه به فرض ارث می‌برند:

۱. مادر: فرض مادر در صورت نبودن اولاد برای متوفا، یک‌سوم و در صورت بودن اولاد، یک‌ششم ترکه است.
۲. زوج: فرض زوج اگر زوجه هنگام فوت دارای اولاد نباشد، یک‌دوم و در صورت وجود اولاد یک‌چهارم ترکه است.
۳. زوجه: فرض زوجه در صورت نبودن اولاد برای متوفا، یک‌چهارم و در صورت وجود اولاد یک‌هشتم از اموال قابل وراثت زوج است.
۴. خویشاوندان امی در طبقه دوم: یعنی جد و جدۀ امی تا هر قدر که بالا بروند و اخوۀ امی و اولاد ایشان تا هر اندازه که پایین بروند، همواره فرض‌برند و فرض ایشان در صورت

انفراد برادر یا خواهر یک ششم (ماده ۹۰۴ ق.م.) و در سایر موارد یک سوم ترکه است (مواد ۹۰۳ و ۹۲۲ تا ۹۲۴ ق.م.).

۵. خویشاوندان امی در طبقه سوم: یعنی احوال و اولاد ایشان تا هر اندازه که پایین بروند، همواره فرض برند و فرض ایشان در صورت انفراد و نیز تعدد همیشه یک سوم ترکه است (ماده ۹۳۵ ق.م.) (شهیدی ۱۳۹۰: ۱۱۳).

وراثی که گاه به فرض و گاه به قرابت ارث می‌برند:

وارثانی که گاهی به فرض و گاهی به قرابت ارث می‌برند؛ مانند پدر، دختر، دخترها، خواهر و خواهران ایبی یا ابوینی (ماده ۸۹۷ ق.م. با استنباط از ماده ۸۹۶ و ۹۰۵ ق.م.) و خواهران و برادران امی که اگر تنها باشند فرض برند و اگر با جد امی باشند قرابت برند (مصلحی عراقی ۱۳۹۲: ۱۱۲).

۱. پدر: در صورتی که متوفا هنگام فوت اولاد نداشته نباشد، پدر به قرابت ارث می‌برد و اگر اولاد داشته باشد، پدر به فرض ارث می‌برد که عبارت است از یک ششم ترکه (ماده ۹۰۴ ق.م.). در کتاب *جواهرالکلام* در این مورد آمده است: «و لو اجتمع الابوان فلام الثلث فرضاً و للاب الباقی قرابه» (نجفی ۱۳۷۴: ۱۱۲؛ امامی ۱۳۷۶: ۲۱۲).

۲. یک دختر اگر فرزند منحصر متوفا باشد، به فرض ارث می‌برد که فرض او یک دوم ترکه است و اگر همراه با فرزند ذکور باشد به قرابت ارث می‌برد (ماده ۸۹۹ ق.م.).

۳. دو یا چند دختر: اگر فرزندان متوفا منحصر به دو یا چند دختر باشد، ایشان به فرض ارث می‌برند که فرضشان جمعاً دو سوم ترکه است و اگر متوفا فرزند ذکور هم داشته باشد، دخترها همراه با پسر یا پسرها به قرابت ارث می‌برند که سهم ذکور دو برابر سهم اناث خواهد بود (ماده ۹۰۲ ق.م.).

۴. یک خواهر ابوینی یا ایبی: اگر متوفا هنگام فوت خویشاوند طبقه نخست نداشته باشد و در طبقه دوم از خویشاوندان ابوینی یا ایبی فقط یک خواهر داشته باشد، این خواهر به فرض ارث می‌برد و فرض او یک دوم ترکه است. اگر برادر ابوینی یا ایبی داشته باشد، خواهر به قرابت و به قاعده ذکور دو برابر اناث ارث می‌برد (ماده ۸۹۹ ق.م.).

۵. دو یا چند خواهر ابوینی یا ایبی: اگر وراث متوفی به وراث طبقه دوم منحصر باشد و خویشاوندان ابوینی یا ایبی او فقط دو یا چند خواهر ابوینی یا ایبی باشند، خواهرها به فرض ارث می‌برند که فرض ایشان دو سوم ترکه است. اگر ایشان همراه با برادر یا برادرهای ابوینی یا ایبی باشند، به قرابت و به قاعده ذکور دو برابر اناث ارث می‌برند (ماده ۹۰۲ ق.م.) (شهیدی ۱۳۹۰: ۱۱۴).

۶. اگر خواهر یا برادر امی در ردیف خود تنها باشند، یک ششم ترکه را به ارث می‌برند و

اگر جد یا جدۀ امی با آن‌ها باشد، به قرابت ارث خواهند برد.

۷. اگر خواهران یا برادران، یا خواهر و برادر امی وارث منحصر به فرد باشند، یک سوم ماترک را به فرض می‌برند و اگر اجداد امی با آن‌ها باشند، جملگی به قرابت ارث خواهند برد و همه مال میان آن‌ها بال سویه تقسیم خواهد شد (قبله‌ای خوبی ۱۳۸۹: ۱۱۳).

از تقسیمات فوق معلوم می‌شود در قانون گذاری در ماده ۸۹۷ اشتباهی رخ نداده است؛ یعنی کلاله امی (خواهران و برادران امی) از وارثانی به شمار می‌آیند که گاهی به فرض و گاهی به قرابت ارث می‌برند (قبله‌ای خوبی ۱۳۸۹: ۱۱۳).

وراثی که همیشه به قرابت ارث می‌برند:

۱. فرزندان ذکور متوفا در طبقه اول.
۲. برادران ابوینی یا ابی و فرزندان آن‌ها و جد و جدۀ ابی یا امی در طبقه دوم.
۳. اعمام ابوینی یا ابی و امی و اولاد آن‌ها هر چه پایین تر روند و نیز احوال ابوینی و ابی و امی و فرزندان آن‌ها هر چه پایین تر روند در طبقه سوم (قبله‌ای خوبی ۱۳۸۹: ۱۱۴؛ شهیدی ۱۳۹۰: ۱۱۴).

۲-۲. اقسام وراثت در فقه اهل سنت

در فقه اهل تسنن وراثت از جهت چگونگی ارث بردن به چند دسته تقسیم می‌شوند:

۱. کسانی که همیشه به فرض ارث می‌برند.
۲. کسانی که گاه به فرض و گاه به تعصیب ارث می‌برند.
۳. کسانی که گاه به فرض، گاه به تعصیب و گاه به هر دو ارث می‌برند.
۴. کسانی که همیشه به تعصیب ارث می‌برند.
۵. ذوی الارحام (میرداداشی و دیگران ۱۳۸۹: ۱۶۶).

وراثی که همیشه به فرض ارث می‌برند

فرض، سهم مشخصی از ترکه است و وراثتی که برای آن‌ها سهم مشخصی از ترکه معین شده است، فرض بر نام دارند. گروهی از فرض برها در هر حال فقط به فرض ارث می‌برند. این دسته عبارت‌اند از: مادر، جد صحیح (مادر مادر و مادر پدر)، برادر مادری، خواهر مادری، زوج و زوجه (سرخسی ۱۴۰۶: ۱۷۴؛ شیخ الاسلام ۱۳۷۴: ۲۶۰).

وراثی که گاه به فرض و گاه به تعصیب ارث می‌برند

عصبه آن دسته از خویشان متوفا هستند که سهم مشخص برای آن‌ها تعیین نشده است، بلکه باقیمانده از سهم فرض برها به آن‌ها می‌رسد و در نبود صاحبان فرض، تمام ترکه را می‌برند. ارث این دسته از وراث را ارث به تعصیب گویند. گروهی از وراث که گاه به فرض و گاه به تعصیب ارث می‌برند، عبارت‌اند از: دختر و دختر پسر هر چه پایین رود و خواهر پدر و مادری (شقیقه) و خواهر پدری (شیخ‌الاسلام ۱۳۷۴: ۲۶۰).

وراثی که گاه به فرض، گاه به تعصیب و زمانی به هر دو ارث می‌برند

پدر و جد صحیح (پدر پدر) افراد این دسته هستند که گاه به فرض، گاه به تعصیب و زمانی به هر دو ارث می‌برند (شیخ‌الاسلام ۱۳۷۴: ۲۶۰).

وراثی که همیشه به تعصیب ارث می‌برند

اینان سایر وراثی هستند که به تعصیب ارث می‌برند؛ غیر از مواردی که در دسته‌های قبلی ذکر شد. افراد این دسته عبارت‌اند از: پسر و پسر پسر هر چه پایین رود، برادر پدر و مادری، برادر پدری، پسر برادر پدر و مادری، پسر برادر پدری، عموی پدر و مادری، عموی پدری، پسر عموی پدر و مادری، پسر عموی پدری، عموی پدر و مادری، عموی پدری پدر، پسر عموی پدر و مادری پدر، پسر عموی پدری پدر و عموی جد به همین ترتیب (سرخسی ۱۴۰۶: ۱۷۴؛ شیخ‌الاسلام ۱۳۷۴: ۲۶۰).

ذوی‌الارحام

در فقه اهل تسنن، ذوی‌الارحام سایر خویشان متوفا غیر از صاحبان فرض و عصبه هستند؛ مانند پسر دختر و دایی و این‌ها فقط وقتی ارث می‌برند که صاحب فرض یا عصبه وجود نداشته باشد یا از میان اصحاب فروض فقط یکی از زوجین باقی مانده باشد. همچنان که اگر زنی بمیرد و شوهر و دایی داشته باشد، شوهر نصف ترکه را می‌برد و نصف دیگر به دایی می‌رسد؛ زیرا جزء اولوالارحام است. درباره ارث‌بردن ذوی‌الارحام در مذاهب اربعه اهل تسنن اختلاف وجود دارد.

۳-۲. اقسام وراثت در حقوق فرانسه

در حقوق فرانسه، سه عامل طبقه، جهت و درجه وضعیت ارث را تنظیم می‌کنند. براساس ماده ۷۳۱ قانون مدنی این کشور، وراثت سه طبقه هستند: طبقه نخست، شامل فرزندان و اولاد ایشان تا هر قدر که پایین بروند، طبقه دوم دربرگیرنده خویشاوندان عمودی صعودی، یعنی پدر و مادر و اجداد و طبقه سوم شامل خویشاوندان در خط اطراف. هریک از خویشاوندان این طبقات، به ترتیب مقدم بر خویشاوندان طبقه بعدی و حاجب ایشان هستند، اما استثنائاتی هم بر این امر وارد است. همچنین طبق مقررات موضوعه جدید، خویشاوندان در خط اطراف، در صورت وجود همسر بازمانده از ارث ممنوع خواهد بود (شهیدی ۱۳۹۰: ۳۰).

طبقه اول: فرزندان و اولاد ایشان

در حقوق فرانسه، وراثت طبقه اول متوفا عبارت‌اند از فرزندان و اولاد ایشان. مطابق حقوق فرانسه فرزندان به سه دسته تقسیم می‌شوند: فرزندان قانونی، فرزندان طبیعی و فرزندان حاصل از روابط نامشروع (زنا). فرزندان قانونی، فرزندان حاصل از ازدواج و فرزندان طبیعی ناشی از روابط دوستانه یک مرد و زن هستند، اما فرزندان حاصل از روابط نامشروع (زنا) نتیجه عملی است که قانون آن را جرم می‌داند. (غمامی ۱۳۸۴: ۸۲). از ۴ دسامبر ۲۰۰۱ به بعد، قانون مدنی در ماده ۷۳۳، با نگارش جدید مقرر می‌دارد که قانون بین زاده و ولد قانونی و طبیعی برای تعیین ارث نسبت به والدین مربوط، تفاوتی قائل نیست و بدین ترتیب مقررات سخت کلاسیک درباره فرزندان طبیعی و حاصل از زنا الغا شد (غمامی ۱۳۸۴: ۳۲). وراثت این طبقه اگر تنها باشند کل ارث را می‌برند و در صورت تعدد، ارث میان آن‌ها بالمناصفه تقسیم می‌شود و قاعده ذکور دو برابر اناث در حقوق این کشور جاری نیست. در حقوق این کشور، دختر و پسر و نوادگان دختر و پسر، همه از ارث مساوی برخوردارند و جنسیت تأثیری در تعیین سهم الارث آنان ندارد (دیلمی ۱۳۸۷: ۴۲).

طبقه دوم: پدر، مادر، برادران، خواهران و اولاد ایشان

طبقه دوم از وارثان در حقوق فرانسه پدر، مادر، برادران، خواهران و اولاد ایشان هستند. در طبقه دوم دو جهت وجود دارد که یک جهت برادران، خواهران متوفا و اولاد آن‌ها و جهت دیگر پدر و مادر متوفا هستند. تقسیم‌بندی طبقات ارث در فرانسه و قرارداد والدین متوفا در طبقه دوم، به دلیل ریشه رومی ژرمنی حقوقی فرانسه است که گرایش مذهبی در آن به صورتی که در قوانین ارثی ما وجود دارد، نیست و پیروی قوانین ارثی ما از فقه امامیه مسلم این اختلاف

عمیق را ایجاد کرده است (اسحاقی ۱۳۹۵: ۲). با وجود برادر و خواهران متوفا که درجه اول از طبقه دوم هستند، اولاد ایشان که در درجه دوم قرار دارند، ارث نمی‌برند و ارث برادر و خواهر نیز مساوی است. خواهران و برادران تنی متوفا نیز همان حقی را دارند که برادران و خواهران ابوینی متوفا دارند و در ارث بردن نیز دقیقاً همان قدر ارث می‌برند (غمامی ۱۳۸۴: ۸۲). ارث پدر و مادر متوفا در حقوق این کشور نیز برابر بوده و تابع قاعده ذکور دو برابر اناث نیست. همچنین اگر همسر همراه پدر و مادر متوفا باشد، سه چهارم ارث را خواهد برد و الباقی بالمناصفه بین پدر و مادر تقسیم خواهد شد.

طبقه سوم: اجداد متوفا

در طبقه سوم اجداد متوفا قرار دارند که به دو دسته (جهت) اجداد ابی و امی تقسیم می‌شوند. اجداد در این طبقه از دو جهت و یک درجه هستند و هیچ‌یک از ایشان مانع ارث بردن دیگری نخواهد شد. نظر به اینکه این اجداد از سوی پدر و مادر متوفا به وی متصل می‌شوند، سهم الارث آن‌ها نیز مانند پدر و مادر متوفا در طبقه دوم است و هر یک سهم کسی را می‌برد که او را به متوفا متصل می‌کند؛ البته اگر همسر متوفا در حضور خویشاوندان صعودی متوفا (اجداد) باشد، نصف ارث و اگر همراه یک نفر از خویشاوندان صعودی متوفا باشد، سه چهارم ارث را خواهد برد (غمامی ۱۳۸۴: ۸۲).

طبقه چهارم: عمه و عمو و خاله و دایی و وارثان آن‌ها

طبقه چهارم نیز شامل دو جهت و دو درجه است. یک جهت عمو و عمه و اولاد آن‌ها که از حیث پدری با متوفا خویشاوندی دارند و جهت دیگر، خاله و دایی متوفا و اولاد آن‌ها که از حیث مادری با متوفا قرابت دارند. در هر دو جهت نیز عمو و عمه و دایی و خاله، درجه اول و اولاد آن‌ها درجه دوم محسوب می‌شوند؛ البته با تصویب قانون سال ۲۰۰۱، همسر متوفا بر وراثت طبقه چهارم برتری دارد و حاجب ایشان محسوب می‌شود. طبقه چهارم که همراهان روی خط اطراف متوفا محسوب می‌شوند، فراتر از یک ششم ارث نمی‌برند؛ حتی اگر متوفا صالح برای وصیت کردن باشد؛ در حالی که تا قبل از اصلاح قانون در سال ۲۰۰۱ در چنین مواردی همراهان روی خط اطراف، حداکثر یک دوازدهم ارث می‌بردند.

همسر زنده متوفا

یکی از موارد بسیار مهمی که در حقوق ارث در سال ۲۰۰۱ اصلاح شد، حقوق همسر زنده در ارث بود. قانون با در نظر گرفتن منفعت همسر زنده این منفعت را به دو صورت عمده بیان کرده است. از یک سو، سهم الارث همسر زنده به طور آشکاری بهبود یافته و از سوی دیگر، حق همسر زنده به بعضی از حقوق ارث، به ویژه درباره محل سکونت خانوادگی به رسمیت شناخته شده است؛ امری که در دفاتر ثبت اسناد رسمی تا پیش از این رویه عملی شده بود (غمامی ۱۳۸۴: ۸۲). مهم ترین تغییر بر این اساس استوار شد که همسر زنده یک مالکیت تام را به ارث می برد و مهم نیست چه کسی همراه او ارث خواهد برد؛ البته به شرطی که این فرد شایستگی داشته باشد. همچنین او از فرزندان معمولی و حتی از افرادی که روی خط اطراف هستند، نسبت به همه ارث اولویت دارد.

۴-۲. اقسام وراثت از دیدگاه امام خمینی

وارث، یا با «فرض» ارث می برد یا با «قربان» و مقصود از «فرض»، همان سهم مقدر و کسر معین شده ای است که خدای متعال آن را در کتاب کریمش نام برده است و فروض شش تا می باشد و صاحبان این فرض ها سیزده (گروه) هستند.

اول: نصف است و آن برای دختر یگانه است در صورتی که فرزندی غیر ممنوع از ارث، با او نباشد و این قید در تمام طبقات و درجاتی که می آیند، معتبر است. و برای خواهر یگانه پدر و مادری یا پدري است در صورتی که برادر این چنینی با او نباشد. و برای شوهر است در صورتی که زوجه، فرزندی - اگر چه پایین برود - نداشته باشد.»

دوم: ربع (یک چهارم) است و آن برای شوهر است؛ در صورتی که زوجه فرزندی داشته باشد، اگر چه پایین برود. و برای زوجه است اگر شوهر فرزندی نداشته باشد، اگر چه پایین برود. سوم: ثمن (یک هشتم) است و آن برای زوجه است، در صورتی که شوهر فرزندی داشته باشد اگر چه پایین برود.

چهارم: ثلث (یک سوم) است و آن برای مادر است به شرطی که میت مطلقاً فرزند نداشته باشد اگر چه پایین برود و به شرطی که برادرهای متعددی نداشته باشد، همان طور که با شرایطش گذشت. و برای برادر و خواهر مادری است در صورتی که متعدد باشند.

پنجم: دو ثلث است و آن برای دو دختر و بیشتر است در صورتی که میت پسری نداشته باشد. و برای دو خواهر - و بیشتر - پدر و مادری است در صورتی که برادر پدر و مادری نباشد، یا دو خواهر - و بیشتر - پدري است در صورتی که برادر پدري نباشد.

ششم: سدس (یک ششم) است و آن برای پدر است با وجود فرزند مطلقاً. و برای مادر است با وجود حاجب از ثلث یعنی فرزند و برادر و خواهر بنابر آنچه که گذشت. و برای برادر یا خواهر مادری است در صورتی که از طرف مادر، متعدد نباشند. پس فروض نصف است و نصف آن است و نصف نصف آن است و دو ثلث است و نصف دو ثلث است و نصف نصف دو ثلث است (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۲: ۴۰۱-۴۰۰).

مسئله ۲- از آنچه ذکر شد معلوم گشت که کسی که دارای فرض می‌باشد بر دو قسم است: اول کسی است که فقط یک فرض دارد و فرض این شخص به تبدل احوال، کم و زیاد نمی‌شود؛ مانند پدر که در صورت وجود فرزند، صاحب فرض است و آن فقط سدس است مطلقاً. و همچنین است یک دختر و دو دختر و بیشتر در صورتی که پسر نباشد. و همچنین است یک خواهر و دو خواهر پدری یا پدر و مادری در صورتی که برادر نباشد؛ زیرا فرض این‌ها نصف یا دو ثلث است مطلقاً و این‌ها اگر چه در بعضی از حالات - نه همه حالات - صاحب فرض می‌باشند، اما فرض این‌ها به تغیر حالات نه کم می‌شود و نه زیاد و گاهی کسی است که در هر حالی دارای فرض است که به تبدل احوال، تغیر پیدا نمی‌کند. و این مانند برادر مادری یا خواهر مادری است که در صورت یکی بودن فرض او سدس است و در صورت تعدد، ثلث است که در هیچ یک از حالات کم و زیاد نمی‌شود.

دوم کسی است که فرضش با تبدل احوال تغیر پیدا می‌کند مانند مادر؛ زیرا گاهی فرض او ثلث و گاهی دیگر سدس است. و همچنین است زوجین؛ زیرا با نبودن فرزند نصف و ربع است و با بودن او ربع و ثمن می‌باشد.

مسئله ۳- غیر از آنچه که از اصناف صاحب فرض ذکر شد، با قرابت وارث می‌باشند.

مسئله ۴- اگر جد و جده مادری - هر دو یا یکی از آن‌ها - با منسوبین پدری مانند برادرها و خواهرهای پدر و مادری یا پدری و مانند جد و جده پدری با هم باشند، حق آن‌ها ثلث مجموع تر که است؛ اگر چه نقص بر صاحب فرض وارد شود. پس اگر وارث، زوج و جد - یا جده - مادری و خواهر پدر و مادری باشد، نصف آن مال زوج است و ثلث آن مال جد مادری است - یکی باشد یا متعدد - و بقیه آن، که سدس است مال تنها خواهر پدری است با اینکه فریضه اش نصف می‌باشد و با این حال، ارث جد و جده به قرابت است، نه فرض.

مسئله ۵- فروض ششگانه با ملاحظه اجتماع آن‌ها با صورت‌هایی که از آن متصور می‌شود، سی و شش صورت می‌شود که از ضرب شش در شش به دست می‌آید و اگر صورت‌های تکراری که پانزده صورت است، ساقط شود بیست و یک صورت باقی می‌ماند.

مسئله ۶- صورت‌های گذشته غیر تکراری بعضی از آن‌ها اجتماعشان صحیح است و بعضی از آن‌ها و لو به جهت بطلان عول اجتماعشان ممتنع می‌باشد؛ پس ممتنع‌های آن‌ها هشت است، و آن‌ها اجتماع نصف با دو ثلث، و ربع با مثل خودش و با ثمن، و ثمن با مثل خودش و با ثلث، و دو ثلث با مثل خودشان، و ثلث با مثل خودش و با سدس است. و صورت‌های صحیح، بقیه آن‌ها می‌باشد؛ زیرا نصف با مثل خودش مانند زوج و یک خواهر پدري یا پدر و مادري و با ربع مانند یک دختر و زوج و با ثمن مانند یک دختر با زوجه و با ثلث مانند زوج و مادر با نبود حاجب و با سدس مانند زوج و یکی از کلاله مادر جمع می‌شود؛ پس نصف با فرض‌های ششگانه جمع می‌شود مگر یک فرض که به جهت عول باطل است و دو خواهر اگر با زوج با هم باشند به قرابت - نه به فرض - ارث می‌برند و نقص بر آن‌ها وارد می‌شود. و ربع با دو ثلث مانند زوج و دو دختر و با ثلث مانند زوجه و چند نفر از کلاله مادر و با سدس مانند زوجه و یک نفر از کلاله مادر جمع می‌شود. و ثمن با دو ثلث مانند زوجه و دو دختر و با سدس مانند زوجه و یکی از پدر و مادر با وجود فرزند جمع می‌شود (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۲: ۴۰۳-۴۰۱).

۳. مقایسه ارث در فقه شیعه و سنی

به‌طور کلی وارثان میت در فقه شیعه و سنی در سه طبقه قرار می‌گیرند:

۱. در هر دو مذهب شامل فرزندان و پدر و مادر است.
۲. در فقه شیعه شامل برادر، خواهر، پدربزرگ و مادر بزرگ است که در صورت نبود فردی از طبقه اول، ارثیه میت به طبقه دوم می‌رسد، اما در فقه اهل سنت، برادر و خواهر در صورتی ارث نمی‌برند که میت پدر یا پسر داشته باشد؛ پس اگر این دو وجود نداشته باشند، اما میت دارای دختر یا مادر (از طبقه اول) بود، برادر و خواهر با آن‌ها در ارث بری مشترک خواهند بود (مغنیه ۱۳۷۷: ۵۴۵).
۳. افراد مشمول ارث در طبقه سوم عبارت است از: عمو، عمه، دایی، خاله و اولاد آن‌ها که در فقه اهل شیعه، در صورت نبود فردی از طبقه اول و دوم، ارثیه میت به طبقه سوم می‌رسد، اما در فقه اهل سنت، اگر فردی از طبقه اول و دوم وجود نداشته باشد، با وجود عموی ابوی و ابی و یا فرزندان آن‌ها، ارثیه‌ای به عموی امی و همچنین عمه، دایی و خاله نخواهد رسید (مغنیه ۱۳۷۷: ۵۵۶).

۳-۱. مقایسه طبقه اول وارثین

الف) در فقه شیعه، چنانچه فرزند متوفای منحصر به یکی باشد؛ خواه پسر و خواه دختر، تمام ترکه به او می‌رسد. اگر اولاد متعدد باشند، ولی تمام پسر یا تمام دختر، ترکه بین آن‌ها بالسویه تقسیم

می‌شود. اگر اولاد متعدد باشند و بعضی از آنها پسر و بعضی دختر، پسر دو برابر دختر می‌برد (ماده ۹۰۷ ق.م). در فقه اهل سنت نیز به همین صورت است و اختلافی بین فقه شیعه و سنی در این زمینه وجود ندارد.

ب) در فقه شیعه هر گاه میت اولادی بلاواسطه نداشته باشد اولاد اولاد او قائم مقام اولاد بوده و بدین طریق جزو وارث طبقه اول محسوب و با هر یک از ابویین که زنده باشد ارث می‌برد. تقسیم ارث بین اولاد اولاد بر حسب نسل به عمل می‌آید؛ یعنی هر نسل حصه کسی را می‌برد که به توسط او به میت می‌رسد؛ بنابراین اولاد پسر دو برابر اولاد دختر می‌برند. در تقسیم بین افراد یک نسل پسر دو برابر دختر می‌برد. (ماده ۹۱۱ ق.م).

پ) در فقه شیعه و اهل سنت چنانچه برای متوفا اولاد از هر درجه‌ای که باشند، موجود نباشد پدر یا مادر متوفا در صورت انفراد، تمام ارث را می‌برد؛ به گونه‌ای که مادر متوفا در صورت نبودن اولاد یا اخوه (حاجب) برای متوفا ثلث ترکه را به فرض می‌برد و الباقی را به رد می‌برد (ماده ۹۰۶ ق.م). اگر پدر و مادر میت هر دو زنده باشند و برای متوفا اولادی نباشد و مادر حاجب اخوه نداشته باشد، مطابق فقه شیعه و سنی مادر یک ثلث و پدر دو ثلث می‌برد، لکن اگر مادر حاجب داشته باشد، سدس ترکه متعلق به مادر و بقیه متعلق به پدر است (کدخدایی ۱۳۹۲: ۱۸۷).

۲-۳. مقایسه طبقه دوم وارثین

الف) مطابق فقه شیعه هر یک از وراث طبقه دوم اگر تنها باشد، تمام ارث را می‌برد (ماده ۹۱۷ ق.م). در فقه اهل سنت نیز هر گاه برادر و خواهر ابویینی یا ابی، تنها بوده و با او شخص دیگری اجتماع نداشته باشد، ارث آنها مانند ارث اولاد صلبی است؛ یعنی اگر منحصر به یک ذکور یا چند ذکور باشد، تمام ترکه را به تعصیب می‌برند و اگر منحصر به یک اناث یا چند اناث باشند، نصف یا دو ثلث ترکه را به فرض و اگر بعضی ذکور و بعضی اناث باشد، همه ماترک را به قرار دو برابر اناث می‌برند (سرخسی ۱۴۰۶: ۱۵۶). همچنین در فقه شیعه و سنی برادر و خواهر مادری نیز اگر منحصر به یک نفر باشد، یک سدس ترکه، اگر متعدد باشند، چه همه ذکور و چه همه اناث و چه بعضی ذکور و بعضی اناث، یک ثلث آن را از طریق فرض می‌برند که در میان آنان بالسویه و بدون مزیت سهم ذکور بر سهم اناث تقسیم می‌گردد. (ماده ۹۲۱ ق.م). (اگر وراث چند برادر امی یا چند خواهر امی یا چند برادر و خواهر امی باشند ترکه بین آنها بالسویه تقسیم می‌شود)

در فقه شیعه اگر میت اخوه ابویینی داشته باشد، اخوه ابی ارث نمی‌برند و در صورت نبودن اخوه ابویینی، اخوه ابی حصه ارث آنها را می‌برند (ماده ۹۱۸ ق.م). در فقه اهل سنت هر گاه

وارثان ابوینی و ابی اجتماع حاصل کنند، حالات زیر را دارند:

۱. اگر وارثان ابوینی یک یا چند ذکور، یا ذکور و اناث با هم باشند، وجود ذکور ابوینی، سبب حجب و محرومیت وارثان ابی شده، تمام تر که از طریق تعصیب به وارثان ابوینی می‌رسد که در این زمینه اختلافی بین فقه و شیعه وجود ندارد.

۲. اگر وارثان ابوینی عبارت از یک اناث یا چند اناث باشند و وارثان ابی ذکور تنها یا ذکور و اناث نیز با او باشند، وارثان ابوینی به فرض و بقیه را وارثان ابی به طریق تعصیب می‌برند که این موضوع از موارد اختلافی فقه شیعه و اهل سنت است؛ زیرا با وجود ابوینی‌ها، ولو اینکه اناث باشند، ابی‌ها ولو اینکه ذکور باشند ارث نمی‌برند.

ب) مطابق فقه شیعه و اهل سنت هر گاه ورثه اجداد یا جدات باشد، ترکه به شکل زیر تقسیم می‌شود: اگر جد یا جده تنها باشد، اعم از ابی یا امی تمام تر که به او تعلق می‌گیرد. اگر اجداد و جدات متعدد باشند، در صورتی که ابی باشند ذکور دو برابر اناث می‌برد و اگر همه امی باشند، بین آن‌ها بالسویه تقسیم می‌شود. اگر جد یا جده ابی و جد یا جده امی با هم باشند، ثلث ترکه به جد یا جده امی می‌رسد و در صورت تعدد اجداد امی آن ثلث بین آن‌ها بالسویه تقسیم می‌شود و دو ثلث دو برابر حصه اناث خواهد بود (ماده ۹۲۳ ق.م).

پ) در فقه شیعه و اهل سنت، چنانچه برای متوفا برادر ابوینی یا ابی یا امی از هر درجه‌ای که باشند، موجود نباشد جد یا جده متوفا در صورت انفراد، تمام ارث را می‌برد؛ به گونه‌ای که جده متوفا در صورت نبودن برادر ابوینی یا ابی یا امی برای متوفا، ثلث ترکه را به فرض می‌برد و الباقی را به رد می‌برد (ماده ۹۰۶ ق.م). (اگر برای متوفی اولاد یا اولاد اولاد از هر درجه که باشند موجود نباشد هر یک از ابوین در صورت انفراد تمام ارث را می‌برد و اگر پدر و مادر میت هر دو زنده باشند مادر یک ثلث و پدر دو ثلث می‌برد، لیکن اگر مادر حاجب داشته باشد سدس از ترکه متعلق به مادر و بقیه مال پدر است). اگر جد و جده میت هر دو زنده باشند و برای متوفا برادر ابوینی یا ابی یا امی نباشد و مادر حاجب اخوه نداشته باشد، مطابق فقه شیعه و اهل سنت مادر یک ثلث و پدر دو ثلث می‌برد. در مذاهب اربعه اهل سنت، ائمه مجتهد این مذاهب درباره حکم میراث جد به همراه اخوه به پیروی از صحابه اختلاف نظر دارند و به دو دسته تقسیم می‌شوند:

دسته اول: این افراد معتقدند که اخوه به‌طور کلی، شقیقی، پدری یا مادری، مذکر یا مؤنث باشند، با وجود جد از ارث حجب می‌شوند و هیچ‌گاه ارث نمی‌برند و به دلیل اعتبار جد که در همه احوال به منزله پدر و به‌ویژه پدری برتر و بلند پایه‌تر است. همچنان که اگر عصبه بالنفس

متعدد باشند، اولویت به جهت فرزندی (بنوت) است، سپس جهت ابوت (پدری)، جهت اخوت (برادری) و سپس عمومیت (عمو). ارث از جهتی به جهت دیگر منتقل نمی‌شود، مگر زمانی که جهت مقدم موجود نباشد.

اگر پسر و پدری وجود داشته باشند، پسر عصبه می‌شود و اگر برادر و جدی با هم وجود داشته باشند، برادر عصبه خواهد بود؛ پس جهات ترتیبی است. جهتی ارث نمی‌برد، مگر زمانی که جهت پیش از آن وجود نداشته باشد. وقتی جهت ابوت (پدری) که شامل جد هر چند هم دورتر بر جهت اخوت مقدم باشد، جد برادر را حجب می‌کند، همچنان که اگر برادر با پدر همراه باشد، پدر حاجب برادر است. این شیوه مذهب ابوحنیفه و قول جمعی از صحابه بزرگ از جمله ابوبکر، ابن عباس، ابن عمر و گروهی دیگر از صحابه و تابعین است (کانیمشکانی ۱۳۵۹: ۹۱ و ۹۲؛ شیخ الاسلامی ۱۳۸۹: ۶۵).

دسته دوم: از نظر دسته دوم، برادران و خواهران شقیقی یا پدری با وجود جد نیز ارث می‌برند؛ چون جد همچون پدر، آنان را حجب نخواهد کرد (کدخدایی ۱۳۹۲: ۲۰۷ و ۲۰۶). این شیوه و روش شافعی، حنبلی، مالکی و همچنین روش دو یار بلندمرتبه و شاگرد ابوحنیفه ابویوسف و محمد است.

۳-۳. مقایسه طبقه سوم وارثین

در باره میراث اعمام و احوال در فقه شیعه و اهل سنت اختلاف بیشتر از سایر موارد است: زیرا: ۱. مطابق ماده ۹۲۸ قانون مدنی «هرگاه برای میت وراث طبقه دوم نباشد ترکه او به وراث طبقه سوم می‌رسد» و مطابق ماده ۹۲۹ قانون مدنی «هریک از وراث طبقه سوم اگر تنها باشد تمام ارث را می‌برد...» و اگر چند نفر باشند، براساس شرایط مندرج در قانون ارث می‌برند. در فقه شیعه نیز عمو، عمه، دایی، خاله و اولاد آنها همگی با رعایت الاقرب وراث شناخته می‌شوند، با این تفاوت که سهام آنهایی که طرف پدری هستند، به مقتضای اصل تعصیب و قرابت پدر، از قرار ذکور دو برابر اناث تقسیم و سهام آنهایی که طرف مادری هستند، به مقتضای قرابت رحمی روی تساوی سهام ذکور و اناث قسمت می‌شود (کدخدایی ۱۳۹۲: ۲۰۳).

۲. ماده ۹۳۶ ق. م. پسرعموی ابوینی را برای یک عموی ابی حاجب قرار داده و برای خال، خاله و همچنین برای اعمال متعدد ابی را حاجب نشناخته است. این ترتیب درباره یک عموی ابی تنها برخلاف اصل اقریبیت است. به علاوه در اقریبیت میان یک عموی ابی تنها با اعمام متعدد وجه امتیازی به نظر نرسید (کانیمشکانی ۱۳۵۹: ۱۱۸).

۴. مقایسه ارث اسلام با حقوق فرانسه

اولین تفاوت حقوق ارث در اسلام با حقوق فرانسه را می‌توان در طبقه‌بندی وراثت یافت. به‌طور کلی وارثان میت در فقه شیعه و اهل سنت در سه طبقه، اما در حقوق فرانسه در چهار طبقه قرار می‌گیرند.

۱. طبقه اول در هر دو مذهب شیعه و اهل سنت شامل فرزندان و پدر و مادر است، اما در حقوق فرانسه طبقه اول شامل فرزندان و اولاد ایشان است.

۲. طبقه دوم در فقه شیعه، شامل برادر، خواهر، پدر بزرگ و مادر بزرگ است که در صورت نبود فردی از طبقه اول، ارثیه میت به طبقه دوم می‌رسد، اما در فقه اهل سنت، اگرچه طبقه دوم شامل برادر و خواهر و اولاد آنها و اجداد ایشان است، برادر و خواهر در صورتی ارث می‌برند که میت دارای پدر یا پسر نباشد.

۳. طبقه سوم ارث در فقه شیعه عبارت‌اند از: عمو، عمه، دایی خاله و اولاد آنها که در صورت نبود فردی از طبقه اول و دوم، ارثیه میت به طبقه سوم می‌رسد، اما در فقه اهل سنت، اگر فردی از طبقه اول و دوم وجود نداشته باشد، با وجود عموی ابوینی و ابی یا فرزندان آنها، ارثیه‌ای به عموی امی و همچنین عمه، دایی و خاله نخواهد رسید، اما طبقه سوم در حقوق فرانسه عبارت است از خویشاوندان عمودی (اجداد).

در فقه شیعه، طبقه چهارم وجود ندارد و در صورت نبودن طبقات ولاء، عتق و ضمان جریره میراث می‌برند. در فقه اهل سنت نیز در صورت نبود طبقات سه‌گانه، ذوی‌الارحام ارث می‌برند، اما در حقوق فرانسه خویشاوندان معمولی در خط اطراف به‌عنوان طبقه چهارم ارث محسوب می‌شوند که در صورت وجود همسر زنده از ارث‌بردن ممنوع می‌شوند. علاوه بر تفاوت در طبقات میراث بین حقوق فرانسه با مذاهب خمسسه، تفاوت دیگر در میزان سهم‌الارث آنهاست. در حقوق اسلام و مذاهب خمسسه، ارث به فرض، قرابت یا تعصیب و رد بین ورثه و براساس جایگاه ایشان از حیث مذکر یا مؤنث بودن تقسیم می‌شود، اما در حقوق فرانسه سهم‌الارث میان وراثت براساس جنسیت نیست و آنها تنها از حیث میزان قرابت، ارث می‌برند و در جایی که ذکور و اناث به‌عنوان ورثه باشند، مانند پسر و دختر متوفا، برادر و خواهر متوفا یا عمو و عمه متوفا، ارث میان آنها بالمناصفه خواهد شد. در فقه شیعه طبقه اول شامل دو صنف و در هر صنف هم درجه وجود دارد. در فقه اهل سنت نیز در طبقه اول دو صنف قرار دارد، اما درجه نیست و گاه وراثت طبقه دوم در کنار وراثت طبقه اول ارث می‌برند؛ مانند اینکه وراثت مادر و دختر متوفا با یک برادر ابوینی باشند که همگی ارث می‌برند و درجه قرابت و طبقه آن مؤثر

نیست، لکن در حقوق فرانسه در طبقه اول جهت وجود ندارد و درجه است. در طبقه دوم از فقه شیعه و اهل سنت و حقوق فرانسه دو جهت و درجه وجود دارد، اما در طبقه سوم فقه شیعه و حقوق فرانسه دو جهت و درجه مطرح است، اما در فقه اهل سنت جهت وجود ندارد و مشمول دو درجه است.

نتیجه گیری

مباحث مربوط به ارث در آیات قرآن آمده و تقسیمات ارث در اسلام براساس آیات قرآن صورت می گیرد. اختلافاتی در مسائل مربوط به این مقوله در مذاهب اسلامی وجود دارد که احتمالاً مربوط به ابهاماتی است که در تفسیر این آیات و احادیث مربوط و برداشت آن‌ها از این آیات و احادیث و شاید دلایل دیگر به وجود آمده باشد. قانون مدنی ایران نیز در مباحث مربوط به ارث از فقه امامیه اقتباس کرده است. ارث حقی طبیعی است که نمی توان آن را انکار کرد؛ به نحوی که قانون ارث افزون بر یک امر طبیعی و فطری در گسترش تلاش‌های اقتصادی نیز تأثیر عمیقی دارد.

به موجب فقه امامیه و حقوق ایران (ماده ۸۶۲ ق.م) میزان سهم الارث براساس طبقات ارث عبارت‌اند از:

(الف) پدر و مادر و اولاد و اولاد اولاد؛

(ب) اجداد (پدر بزرگ یا مادر بزرگ یا هر دو زنده)؛

(ج) عمه‌ها، عموها، خاله‌ها، دایی‌ها و فرزندان آنان.

اگر طبقه اول زنده باشند، طبقه دوم ارث نمی برد و همچنین اگر طبقه دوم زنده باشند طبقه سوم ارث نمی برد.

امامیه آیه «وَأُولُو الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ» را اصل مهم در طبقات ارث می دانند و معتقدند:

۱. از اجتماع اصل مذکور با آیه ۱۱ سوره نساء، طبقه اول از طبقات سه گانه وراثت را استنباط می کنند. مفاد آیه این است که توصیه خداوند درباره فرزندان شما این است: ذکور دو برابر اناث ارث می برند، اگر فرزند دو دختر و بیشتر باشد دوسوم ترکه را می برند، اگر یک دختر باشد نصف ترکه را می برد. ابوبن متوفا هریک، یک ششم ترکه را می برند؛ به شرط اینکه متوفا را فرزند به جا مانده باشد، وگرنه در صورت حیات ابوبن، مادر را ثلث ترکه می رسد (بقیه از آن پدر است) مگر اینکه اخوه متوفا وجود داشته باشند که مادر را یک ششم می رسد و بقیه از

آن پدر است. دلیل استنباط امامیه از دو آیه بالا این است که ابوین میت و فرزندان او با میت، فاصله مساوی دارند؛ زیرا هر دو طایفه در عمود نسب قرار گرفته‌اند؛ یکی در طرف سعودی و دیگری در طرف نزولی، اما برادر و خواهر میت، فاصله مساوی با میت (مانند ابوین میت و اولاد او) ندارند؛ زیرا آنان با واسطه ابوین میت، به میت متصل می‌شوند و حال اینکه دیگران واسطه ندارند؛ پس الزاماً به منظور رعایت آیه اول از دو آیه بالا نمی‌توانند در طبقه اول قرار گیرند، لکن طبقات وراثت در مذاهب اربعه اهل سنت با فقه شیعه متفاوت است و بدون توجه به آیه مذکور، اشخاص را صرفاً به عذر اینکه همه فرض بر هستند در طبقه اول قرار می‌دهند. از نظر آنان هر کس فرض بر است (از کسور ارث که در قرآن مجید ذکر شده است استفاده می‌کند) در طبقه اول قرار می‌گیرد. طبقه اول ارث در فقه اهل سنت، فرض بران هستند؛ بنابراین خواهر میت که فرض بر است، در طبقه اول واقع می‌شود. از همین جا فرق بارز با مکتب حقوقی اهل سنت مشاهده می‌شود. با ملاحظه مواد قانون مدنی فرانسه می‌توان گفت در حقیقت چهار طبقه وارث وجود دارد:

الف) فرزندان و اولاد ایشان؛

ب) پدر و مادر و خویشاوندان ممتاز در خط اطراف، یعنی برادران و خواهران و اولاد ایشان؛

ج) خویشاوندان عمودی سعودی (اجداد)؛

د) خویشاوندان معمولی در خط اطراف.

۲. از اجتماع اصل مذکور با آیه ۱۲ و ۱۳ سوره نساء، در فقه امامیه طبقه دوم ارث استخراج می‌شود. در آیه ۱۲ سوره نساء به تفصیل سخن از ارث فرزندان و ابوین میت آمده و اسمی از ارث خواهران و برادران میت نیامده است. ارث خواهران و برادران میت در آیه ۱۳ و ۱۷۶ سوره نساء بیان شده است که این دلیل تأخر رتبه برادران و خواهران میت در ارث بردن است. علاوه بر این، همان اصل مستفاد از آیه «وَأُولُو الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ» ایجاب می‌کند که برادران و خواهران متوفا پایین تر از طبقه اول قرار بگیرند و به این ترتیب، طبقه دوم ارث به وجود می‌آید. اجداد و جدات میت هم مانند برادران و خواهران خود به یک واسطه با میت خویشاوندی دارند و به همین دلیل آن‌ها هم مانند برادران و خواهران، در طبقه دوم قرار می‌گیرند. فقه اهل سنت، جماعتی از خویشاوندان را که فرض بر و خویشاوند میت از جانب ذکور نیستند، براساس نظریه‌ای که به زندگی عشائری مرتبط است، طبقه دوم وراثت می‌شناسد و این طبقه را «عصبه» می‌نامد. این مقوله به کلی با فقه امامیه فرق دارد و آنان در این مورد به آیه «وَأُولُو الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ» توجه کرده‌اند و مستند دیگر از حدیث دارند.

۳. در فقه امامیه از همان اصل مذکور استفاده می‌کنند که اعمام و عمات و احوال و خالات باید طبقه سوم را تشکیل دهند؛ زیرا قرابت آنان به واسطه جد پدری میت (درباره اعمام و عمات) و جد مادری میت (درباره احوال و خالات) است؛ پس چون اجداد و جدات در طبقه دوم هستند، ناگزیر باید اعمام و عمات و احوال و خالات در طبقه سوم قرار بگیرند. فقه اهل سنت درباره وجود طبقه سوم، با هم سخت اختلاف دارند. آن‌ها خویشاوندانی را که عصبه هستند و طبقه دوم را تشکیل می‌دهند، می‌شناسند و فهرست آن‌ها را تهیه کرده‌اند؛ از این رو هرگاه درباره میتی نه فرض بران باشند و نه عصبه، عده‌ای دیگر از خویشاوندان (ذوی‌الارحام) را به عنوان طبقه سوم معرفی می‌کنند که شافعی آن‌ها را به منزله طبقه سوم قبول ندارد، اما دیگران این طبقه را قبول دارند؛ پس در فقه اهل سنت عده‌ای دو طبقه وارث دارند و عده‌ای سه طبقه. بدیهی است اختلاف در تعداد طبقات وارث، فراوان است و چنین اختلاف در فقه امامیه دیده نمی‌شود. آن‌ها که ذوی‌الارحام را به عنوان یک طبقه قبول دارند، خود ذوی‌الارحام را که یازده صنف هستند، به چهار طبقه تقسیم می‌کنند که نوعی طبقه‌بندی ارث در داخل یک طبقه محسوب می‌شود؛ حال آنکه در فقه امامیه طبقه‌بندی در داخل طبقه‌بندی مفهومی ندارد، بلکه طبقه را به اصناف و اصناف را به درجات قسمت می‌کنند.

منابع

- اسحاقی، ربابه. (۱۳۹۵) *بررسی طبقات ارث در ق.م. ایران و فرانسه*، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق خصوصی.
- امام خمینی، سید روح الله. (۱۳۸۵) *ترجمه تحریر الوسیله*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ اول، دو جلدی.
- امامی، سید حسن. (۱۳۷۶) *حقوق مدنی*، تهران: کتاب‌فروشی اسلامیة، چاپ سیزدهم.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر. (۱۳۸۴) *دوره حقوق مدنی-ارث*، تهران: کتابخانه گنج دانش، چاپ پنجم.
- دیلمی، احمد. (۱۳۸۷) «مطالعه تطبیقی ارث زن»، *فصلنامه مفید*، شماره ۲۹.
- سرخسی، شمس‌الدین. (۱۴۰۶ ق) *المبسوط*، بیروت: دارالمعرفه، تحقیق جمعی از فضلا.
- شهیدی، مهدی. (۱۳۹۰) *ارث*، تهران: انتشارات مجد، چاپ ششم.
- شیخ‌الاسلامی، اسعد. (۱۳۸۹) *احوال شخصیه در مذاهب چهارگانه اهل سنت (ارث، وصیت و وصایت)*، تهران: انتشارات سمت، چاپ سوم.

- شیخ الاسلام، سید محمد. (۱۳۷۴) *راهنمای فقه شافعی*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- غمامی، سید محمد مهدی. (۱۳۸۴) «بررسی نظام جدید حقوق ارث در فرانسه»، *مجله گواہ*، دوره جدید، تابستان و پاییز، شماره ۴ و ۵.
- قبله‌ای خویی، خلیل. (۱۳۸۹) *ارث*، تهران: انتشارات سمت، چاپ دوم.
- کانیمشکانی، ابوالقاسم بن محمد بن عبدالکریم (معتدی کردستانی). (۱۳۵۹) *ارث در اسلام و مقررات قانون مدنی ایران*، تهران: چاپخانه حیدری.
- کدخدایی، یعقوب. (۱۳۹۲) *وصیت و ارث در مذاهب اربعه اهل سنت و قانون مدنی ایران*، تهران: نشر دادگستر، چاپ اول.
- مصلحی عراقی، علی حسین. (۱۳۹۲) *حقوق ارث*، تهران: انتشارات سمت، چاپ هفتم.
- مغنیه، محمد جواد. (۱۳۷۷) *الفقه علی المذاهب الخمسه*، تهران: مؤسسه الصادق، چاپ اول.
- میردآدشی، سید مهدی و دیگران. (۱۳۸۹) *احوال شخصیه اهل سنت (طلاق، وصیت، ارث، حجو) در مذهب شافعی و حنفی*، تهران: انتشارات خرسندی، چاپ اول.
- نجفی، محمدحسن. (۱۳۷۴) *جواهرالکلام فی شرح شرایع الاسلام*، تحقیق شیخ علی آخوندی، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ دهم.